

● نگاهی به سابقه تولید «صابون»

نگاهی به تاریخ بهداشت در ایران نشان می‌دهد که تا پیش از ورود ماشین آلات مدرن، تولید مواد شوینده حرفه‌ای کاملاً بومی، تجربی و متکی بر مواد اولیه در دسترس بوده‌است. در قرون اولیه اسلامی، شست‌وشو فراتر از کاربرد آب خالی بود. زکریای رازی، پزشک و شیمی‌دان بزرگ ایرانی، در رسالات خود به ترکیب مواد قلیایی (به‌دست‌آمده از خاکستر گیاهان) و چربی‌ها برای ساخت شوینده‌های اولیه و شاید صابون اشاره کرده‌است. این‌سینا در کتاب مشهور «قانون در طب»، فصلی را به حفظ سلامت پوست و مو اختصاص داده و استفاده از گل‌های معدنی مانند گل سرشوی، کنیرا و سدر را برای پاکیزگی توصیه می‌کند. در این دوران، صابون جامد به شکلی که امروز می‌شناسیم، کمتر رایج بود و مردم بیشتر از ترکیب چربی‌های حیوانی (پیه) و سودسوزآور طبیعی برای شست‌وشو استفاده می‌کردند. با آغاز دوره صفویه و رونق گرفتن شهرنشینی و گرمابه‌های عمومی فراوان، مصرف شوینده‌ها به شکل چشمگیری افزایش یافت. ژان شاردن، سیاح فرانسوی که در این عصر به ایران سفر کرده‌است، در سیاحت‌نامه خود به اهمیت گرمابه‌ها در زندگی روزمره و استفاده فراوان ایرانیان از ترکیباتی چون سیپیداب، روشوی و حنا اشاره می‌کند. در این دوره، صابون‌پزی به عنوان یک صنعت مستقل در بازارهای شهرهای بزرگ شکل گرفت. تولیدکنندگان، پیه گوسفند یا گاو را با قلیا (سودسوزآور) می‌جوشاندند و صابون‌هایی باظاهری خشن اما قدرت پاک‌کنندگی بالا تولید می‌کردند.

در دوران قاجار، شهرهایی مانند مراغه، رودبار و بروجرد به قطب‌های تولید صابون سنتی در ایران تبدیل شدند، چنان‌که «صابون مراغه» که ترکیبی از دنبه گوسفند و سود سوزآور بود، به یک نشان تجاری معتبر در سراسر کشور بدل شد. یاکوب ادوارد یولاک، پزشک اتریشی دربار ناصرالدین‌شاه در یادداشت‌های خود می‌نویسد که ایرانیان در شست‌وشو وسواس خاصی دارند، اما صابون‌تولید داخل به دلیل تصفیه‌نشدن کامل چربی‌ها، گاه بوی نامطبوعی دارد و پوست را خشک می‌کند. با این حال، ویلم فلور، پژوهشگر و تاریخ‌نویس، در کتاب «سلامت مردم در ایران قاجار» تأکید می‌کند که همین صابون‌های سنتی، نقش مهمی در کنترل بیماری‌های عفونی پوستی طی این دوره تاریخی داشته‌است. در این بین، شهر مشهد نیز، چنان‌که اشاره شد، به دلیل جایگاه مذهبی و حضور دائمی زائران، از دیرباز یکی از کانون‌های اصلی تولید و مصرف لوازم بهداشتی بوده‌است. وجود گرمابه‌های وقفی و عمومی متعدد در اطراف حرم مطهر، تقاضا برای سپیداب (روشوی)، سدر، حنا و صابون‌های محلی را در بازارهای این شهر بالا نگه می‌داشت. صابون‌پزان خراسانی با بهره‌گیری از چربی فراوان دام‌های منطقه و ترکیب آن با گیاهان دارویی محلی، نیاز زائران و مجاوران را به محصول صابون برطرف می‌کردند. بااین حال، به‌ویژه بعداز دوره ناصرالدین‌شاه و گسترش واردات محصولات گوناگون و متنوع بهداشتی به مشهد، رونق کارگاه‌های صابون‌پزی این شهر تحت‌تأثیر کیفیت محصولات وارداتی، به ویژه محصولات اروپایی قرار گرفت؛ هر چند که با توجه به قیمت بالای این محصولات، خرید محصولات قدیمی در مقیاسی قابل قبول ادامه پیدا کرد. در ابتدای دهه ۱۲۸۰ خورشیدی، صابون‌پزهای مشهدی به این نتیجه رسیدند که باید برای رقابت بامحصولات خارجی وافزایش فروش، از ظرفیت «اعلان» (آگهی) در روزنامه تازه منتشر شده «ادب» استفاده کنند. این روزنامه، نخستین روزنامه یا دقیق‌تر بگوییم «جریده» تاریخ شهر مشهد بود که توسط «ادیب‌الممالک‌فراهانی» در این شهر انتشار یافت.

● بازخوانی یک آگهی و رپرتاژ تاریخی

با عنایت به دغدغه ایجاد شده، نخستین آگهی مربوط به فروش صابون در مشهد، اواخر اردیبهشت سال ۱۲۸۱ خورشیدی به دفتر روزنامه که در آن زمان، جایی در «کوچه مدرسه دودرب» و حوالی مسیر بازار قدیمی مشهد قرار داشت، تحویل داده شد. آگهی دهنده صاحب یکی از مشهورترین کارگاه‌های صابون‌پزی مشهد، «مشهدی نصیر تاجر قرباباغی» مشهور به «نصیر حاجی یوف» بود. حاجی یوف که با توجه به امضای پای آگهی، ظاهرًا از این نام به عنوان برند تجاری محصولاتش استفاده می‌کرد، در متن آگهی (که در صفحه آخر شماره ۲۱ جریده ادب، در سال دوم، مورخ ۳۰ اردیبهشت ۱۲۸۱ منتشر شد) نوشته بود،

«اعلان کارخانه صابون پزی / این بنده مشهدی نصیر

درباره «مشهدی نصیر» و خود کفایی یک صنعت به بهانه بازانتشار یک آگهی اقتصادی در روزنامه های مشهد پس از ۱۲۳ سال

صابونی که به تن مشهد خورد



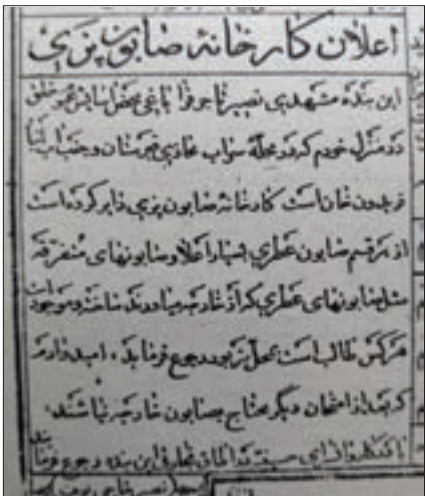
طرحی از یک کارگاه صابون سازی در میانه های قرن هجدهم میلادی



نمونه ای از صابون های دست ساز در دوره قاجار

جواد نوائیان رودسری | ایرانیان در سیرت و صورت قومی پاکیزه‌اند؛ مردمانی مهربان و نیک‌خو که به تمیزی جسم و جان اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌دهند و در میان اقوام غرب آسیا، در این زمینه نظیر و ماندنی ندارند. به همین دلیل از دیرباز، صنایع مرتبط با محصولات بهداشتی در ایران، فعالیت چشمگیر و سودآوری داشته و مشهد، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شهرهای چند سده اخیر این سرزمین، یکی از کانون‌های تولید محصولات بهداشتی و در رأس آن‌ها «صابون»، محسوب می‌شده‌است. قدمت ساخت صابون و صنعت صابون‌پزی در مشهد به تحقیق معلوم نیست، اما چنین به نظر می‌رسد که نیاز دائمی به این محصول، باعث شده‌بود که کارگاه‌های مربوط به آن همیشه در شهر دایر باشد و مردم مشهد، عموماً از صابون‌های ساخت این شهر استفاده کنند. به تازگی و ضمن مرور روزنامه «ادب»، نخستین جریده چاپ شده در مشهد، به قدیمی‌ترین آگهی فروش صابون در این شهر برخورد کردم؛ یک آگهی ویژه که از جهات بسیاری، قابل مطالعه است و قصد دارم در این گزارش، آن

درباره «مشهدی نصیر» و خود کفایی یک صنعت به بهانه بازانتشار یک آگهی اقتصادی در روزنامه های مشهد پس از ۱۲۳ سال



نخستین آگهی صابون‌پزی در روزنامه‌های مشهد



مقادو آدرس نخستین صابون پزی مشهد



را بررسی کنیم، اما پیش از این بررسی، بد نیست با هم مرور مختصری بر تاریخ تولید مواد بهداشتی و به ویژه صابون در ایران داشته باشیم.

آن کارخانه‌گذار افتاد و متاع آن را به رأی‌العین مشاهده نمودم. انصافاً این شخص عزیز غیرتمند بسیار زحمت کشیده و مسلمانان را از استعمال صابون‌های شبهه‌دار فرنگی که ما نمی‌دانیم از پیه کدام جانور و مذبح کدام ملت ساخته شده‌است، مستغنی کرده. صابون‌های او در نهایت امتیاز و خوبی و دارای اقسام متعدد برای شستن دست و صورت و سر و لباس از عطری و غیره در کمال ارزانی فروخته می‌شود. باری بعد از رفتن به آنجا و ملاقات با صاحب کارخانه و تماشای صابون‌ها، قدری از صابون مشا‌رالیه هم به جامه نگارنده خورد و چند دانه هم برای نمونه بتوسط این بنده تقدیم پیشگاه بندگان ایالت کبری مد‌ظله‌العالی‌گردید و به نهایت مستحسن و مرغوب واقع شد. از خدماتی خواهیم که امثال این‌گونه مردم اسلام پرست را که طالب رفاه و راحت و طهارت مسلمانان می‌باشند در مملکت ما محفوظ و زیاده فرماید. الحق در میان مسلمانان یک نفر مشهدی نصیر کم‌است. اقلاً هزار نفر مشهدی نصیر لازم داریم که سایر امور را هم اصلاح نمایند.»

گزارش مربوط به کارگاه صابون‌پزی «حاجی یوف» و «رپرتاژ» مربوط به آن، دربرگیرنده مطالب بسیار مهم

برخی رجال دینی و ملی، اقدام قابل توجهی برای ترمیم آن صورت نگرفت. تااینکه در سال ۱۲۷۸ خورشیدی، سه سال پیش از انتشار این آگهی و رپرتاژ، «شرکت اسلامی» با میدان داری تعدادی از علما، از جمله «آقا نجفی» و «حاج آقا نورالله» اصفهانی، با هادف اولیه تبلیغ و ترویج پارچه و منسوجات داخلی تأسیس شد و در اندک زمانی توانست موفقیت‌های گسترده‌ای به‌دست‌آورد. هر چند که این توفیق، به دلیل نفوذ گسترده استعمار انگلیس از یک سو و فقدان پشتیبانی حکومتی از سوی دیگر، دوام پیدا نکرد. اما دیدگاه‌های ناشی از این فعالیت، به‌شیوه‌ها والگوهای گوناگون، در جامعه آن روز ایران نهادینه و به تدریج، تبدیل به آرمانی ملی شد. برخی از دیدگاه‌های انتشار یافته از این رار بودند، ۱- برتری کالای داخلی بر کالای خارجی، ۲- برتری تبلیغ ساخت ممالک اسلامی بر غیراسلامی، ۳- ترویج، تبلیغ و حمایت از تولیدکنندگان داخلی و تلاش برای ساخت نمونه‌های مشابه و هم‌تراز کالاهای غربی در ایران و ۴- تأکید بر دو اصل اسلامیت و ملیت به صورت توانمان و در راستای تقویت اقتصاد داخلی ومنطقه‌ای. این دیدگاه‌ها در بیشتر نشریات فعال دوره مذکور هم به شدت تبلیغ می‌شد. استفاده از عنصر رسانه برای نهادینه کردن این دیدگاه‌ها، اسباب فراگیر شدن آن‌ها را فراهم کرد و به این ترتیب، موجی در میان مردم ایجاد شد که دست‌کم برای حدود یک دهه ادامه داشت و اگر اسباب و وسایل بقای آن تأمین می‌شد، می‌توانست ایران را تا مرحله خودکفایی در بسیاری از عرصه‌های صنعتی و کشاورزی پیش ببرد.

● رگه‌هایی از «نهیض خودکفایی» در آگهی «حاجی‌یوف» آگهی صابون‌پزی «حاجی یوف» در برگزیده تمام آن چیزی است که درباره نهیض خودکفایی آن دوره گفتیم، چه در آگهی و چه در رپرتاژ، مسئله بی‌نیازی از کالاهای وارداتی و مشابه، به شدت محل توجه است و ظاهراً روشی برای تبلیغ محصول میان مردم محسوب می‌شود و حکایت از آشنایی جامعه با چنین لحن و استدلالی دارد. از سوی دیگر، در هر دو متن منتشر شده در روزنامه ادب، مسئله هم‌سلج بودن کیفیت محصول کارگاه صابون‌پزی حاجی‌یوف با نمونه‌های خارجی، مورد تأکید قرار گرفته‌است و تلاش می‌شود که مخاطب از قید وابستگی ذهنی خلاص شود و اصالت و کیفیت محصولات داخلی را ببذیرد. لحن آگهی و رپرتاژ، تنها رویکرد اقتصادی ندارد و به دنبال فروش کالا نیست، گویی این تبلیغ رسانه‌ای، رستاخیزی برای بریدن قیدهای وابستگی هم هست؛ هر چند وابستگی منظور نظر این تبلیغ در یک کالای خاص منحصر شده‌باشد. بنابراین، آنچه در این دو گزارش خاص و ویژه می‌بینیم، بخشی از یک نهیض سراسری در تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود که باید آن را نخستین اقدام مردمی برای عبور از وابستگی و رسیدن ایران به خودکفایی بدانیم؛ نهضتی که البته چندان شناخته شده نیست و باید درباره‌اش بیشتر گفت و نوشت.

● چند نکته درباره مشهد قدیم

در کنار محتوای مهم گزارش، از بُعد تاریخ مردمی و اجتماعی ایران، توجه به شواهد مربوط به تاریخ شهر مشهد در آن هم ضروری و مهم است. نخست اینکه طبق گزارش موجود، در مشهد ۱۲۳ سال پیش، ساخت صابون‌های عطری متداول بود و برخلاف باور عمومی، مردم فقط مجبور به مصرف صابون‌های زمخت و گاه بدبوی مراغه نبودند و تنها از این نوع صابون استفاده نمی‌کردند. دوم اینکه در عرصه محصول صابون، تنوع کاربردی وجود داشت و انواع صابون، شامل صابون دست و صورت، رخت‌شویی و حمام با عطر و کیفیت‌های گوناگون در اختیار مردم قرار می‌گرفت. سوم اینکه مشهدی نصیر حاجی یوف، چنان‌که از نامش پیداست، باید از قفقازی‌های مقیم مشهد باشد که در آن دوره، بخشی از جمعیت شهر را به خود اختصاص داده بودند و بعدها، افرادی مانند برادران «نصیرزاده» از میان آن‌ها برخاستند که در توسعه فضاهای فرهنگی مشهد به ایفای نقش پرداختند. قفقازی‌ها در فعالیت‌های مشروطه‌خواهی مشهد نیز، نقشی محوری داشتند. چهارمین نکته مربوط به محل قرار گرفتن کارگاه صابون‌پزی حاجی‌یوف‌است. طبق گزارش آگهی، آدرس کارگاه، «در محله سراب محادی قبرستان و جنب آب‌انبار فریدون‌خان» قرار داشت. با نگاهی به نقشه «دالمج» که مربوط به ابتدای سال ۱۲۴۹ خورشیدی است، می‌توان حدود آن را جایی در جنوب باغ قدیمی «خان‌نایب» و در جوار گذری که به حمام و تکیه سراب می‌رسید، در نظر بگیریم.



حدود محله عنصری بر روی نقشه مشهد

که مالکان و شاهان می‌ساختند. نمونه‌های آن نیز هنوز موجود است مانند کوشک سلامه که زمین داران و ملاکان آن‌ها را ساخته‌اند.»

● احتمالی برای دستگرد مشهد

براساس این توضیحات می‌توان تصور کرد که به احتمال دستگرد مشهد هم که روستایی وقفی بوده، درواقع یک باغی اعیانی و محل زندگی یکی از صاحب‌منصبان شهر است که اطراف آن، رعایای این فرد ساکن بوده‌اند. در ادامه نیز زمین‌های کشاورزی و باغات او قرار داشته‌است. از آنجا که از دستگرد به عنوان محله و دهکده نیز نام برده شده است تداعی این ویژگی ملموس‌تر می‌شود. همچنین دهکده دستگرد باید نزدیک به سمت شمال شهر و نوغان بوده باشد.

«دستگرد» نیز چنین می‌گوید: «درباره ریشه و معنی دسکره اختلاف نظر وجود دارد. بعضی معتقد هستند که دستگرد به معنای «در دست گرفتن» یعنی به معنای متعلق بودن و مال کسی بودن است اما به عقیده من این عبارت یک معنی عینی هم دارد؛ چون در متن پهلوی وقتی «کیخسرو» پادشاه آرمانی ایران «کنگ‌دژ» را که پدرش «سیاوش» در آسمان‌ها ساخته به زمین می‌آورد به این سازه می‌گوید: «تو خواهر منی و من برادر تو» یعنی اولاً شهر ساخته سیاوش را مونت دیده، ثانیاً می‌گوید تو را (یعنی این شهر را) پدرش با دست خود ساخته است. بنابراین، صرف اینکه بگوییم دستگرد یک مفهوم مجازی به معنی تعلق داشتن است به نظر صحیح نمی‌آید و اشاره به ساختن هم دارد. در نتیجه درباره واژه دستگرد باید گفت اشاره به مکان‌هایی داشته کوشک مانند

شیرین سیدی| خیابان عنصری و بخشی از خیابان

تهران (امام رضا^(ع) امروز) اراضی یک روستای تاریخی به نام «دستگرد» هستند. هنوز هم در

استان ملکی ساکنان آن محدود شده‌اند. مشهد، نام

رقبه دستگرد قدیم می‌شود. اما دستگرد چه پیشینه تاریخی دارد؟ اگر در این روستا در کتب جغرافیای تاریخی و وقف‌نامه‌ها دنبال کنیم، درمی‌یابیم حدود آن طبق طومار عهدالملک (نوشته شده به سال ۱۲۷۳ قمری یا ۱۴۷۱ سال پیش) و حاوی فهرست موقوفات آستان قدس رضوی) بدین قرار است: «حدی به اراضی اللندشت، حدی به قبرستان خارج دروازه عیدگاه، حدی به مزرعه تقی‌آباد، حدی به خندق شهر و ارج و دروازه...». در وقت‌نامه اولادی میرزا حسن رضوی به سال ۱۰۵۵ قمری (۳۹۲ سال پیش) هم یکی از رقیات موقوفه باغ محله دستگرد معرفی شده است. پیش از آن هم حافظ ابرو، مورخ و جغرافی‌دان قرن نهم هجری، محله دستگرد را یکی از محلات مشهد خوانده بود. اولین یادکرد از آن هم به آستانه حمله مغول و توصیف یاقوت حموی بازمی‌گردد، که نوشته است: «دهکده‌ای در نوقان طوس است و آن را دستگرد گویند نگاهی

مشهد قدیم